

# پیر بوردیو، از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی

سعید عطار\*

## چکیده:

شناخت فضای اجتماعی بعنوان ساختی سلسله‌مراتبی بر پایه تفاوتها و جایگاهی که در آن منابع توزیع و اعمال متجسد می‌شود، کلید شناخت رویکرد پیر بوردیو به مفهوم سرمایه‌ها است. به سخن دیگر، نوع برداشت بوردیو از فضای اجتماعی، دریافت او از مفهوم سرمایه و بویژه سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد. در این میان مفهوم میدان، پلی است برای این ارتباط و محلی است برای پیدایش سرمایه‌های گوناگون در فضای اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی بی‌که به علت تقدم سرمایه اقتصادی بر آن، حالتی ابزاری برای افزایش منزلت فرد در این فضای اجتماعی پیدا می‌کند.

پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) (اوت ۱۹۳۰-۲۳ ژانویه ۲۰۰۲) جامعه‌شناس برجسته‌ای بود که کارهایش طیف گسترده‌ای از دانش‌ها را پوشش می‌داد: از تئوریهای فلسفی و ادبی تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی. بوردیو را بیشتر با پرداختن به مفاهیم زیر می‌شناسند:

قدرت، خشونت نمادین، انسان‌دانشگاهی و روابط میان ساختارهای تاریخی و کارگزاران شناسنده. ایده‌های مورد توجه او عبارت بود از: سرمایه فرهنگی، زمینه (میدان)، عادت واره (habitus)<sup>۱</sup>، خودفریبی (illusion)<sup>۲</sup>، بازتابندگی (reflexivity)<sup>۳</sup>، سرمایه اجتماعی، سرمایه نمادین و خشونت نمادین. از پیر بوردیو بیش از ۳۰ کتاب و دهها مقاله به یادگار مانده است. معروفترین کتاب او، «تمایز (تشخیص): نقد اجتماعی داوری» (La Distinction: Critique Sociale Du Jugement) (۱۹۷۹) بود (en. Wikipedia. org) که در ۱۹۸۴ در جهان انگلیسی زبان ترجمه شد. در یادنامه‌ای که درست پنج روز پس از مرگ بوردیو در «گاردین» منتشر شد «از این کتاب بعنوان یکی از ۱۰ کتاب مهم در زمینه جامعه‌شناسی در سده بیستم یاد شد که انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی معرفی کرده بود» (2002, Geffies).

بوردیو در کتاب «تمایز (تشخیص)» کوشیده است داوری در زمینه زیباشناختی را به جایگاه فرد در فضای اجتماعی پیوند دهد. (en. wikipedia. org) شاید بتوان گفت که اهمیت مفهوم فضای اجتماعی در کارهای بوردیو به اندازه‌ای است که می‌توان از آن بعنوان نقطه عزیمت او در مورد مبحث سرمایه‌ها و دیگر بحثها یاد کرد. پس برای آشنایی بیشتر با اندیشه بوردیو درباره سرمایه اجتماعی لازم است شناختی کلی از این «فضای اجتماعی» داشته باشیم.

## ۱- فضای اجتماعی (social space)

بوردیو فضای اجتماعی را نخستین و واپسین واقعیت موجود می‌داند. (بوردیو ۱۹۹۴) مفهوم فضا، متضمن شناخت دنیای اجتماعی در قالب روابط است. به سخن دیگر، تصور فضا ما را به سوی شناخت رابطه‌ای از جهان رهنمون می‌شود. فضای اجتماعی، تنها تجمعی از افراد نیست، فضای اجتماعی، توزیعی از منابع، و اعمال متجسد یا آرایشی از مقامهای اجتماعی متفاوت است. خود مقامهای اجتماعی تنها در تضاد و تفاوت با دیگر مقامها وجود دارند. بنابراین مقام مرد در برابر مقام زن قرار دارد، ذوق نیکو در برابر ذوق بد، هنر والا در برابر هنر عامه پسند، باسواد در برابر بی‌سواد و... (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶) به سخن دیگر، از دید بوردیو فضای اجتماعی دارای ساختی سلسله‌مراتبی بر پایه تمایزها و تفاوتهاست؛ جایی که در آن افراد یا گروهها بر پایه نوع روابطشان با یکدیگر و بر پایه نوع تمایز و تفاوت و جایگاهی که در برابر هم دارند، موجودیت می‌یابند.

بوردیو در کتاب «نظریه کنش: دلایل عملی و گزینش عقلانی» (۱۹۹۴) مفهوم فضای اجتماعی خود را به روشنی هم‌پیوند با میدان (زمینه) می‌داند. او می‌نویسد:

«من هنگامی که از فضای اجتماعی کلی به مانند یک میدان (زمینه)، سخن می‌گویم منظورم این است، فضای اجتماعی‌ای که در عین حال هم یک حوزه قدرت است، که اراده خود را بر عاملان اجتماعی که در ظل آن مشغول‌اند تحمیل می‌کند، و هم یک حوزه منازعه است که این عاملان درون آن به رویارویی مشغولند؛ رویارویی با وسایل و اهداف متفاوت، بر حسب موقعیت هر یک در ساختار حوزه قدرت، که می‌تواند سببی در جهت حفظ یا تغییر آن ساختار باشد.» (بوردیو، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

بنابر این فضای اجتماعی همچون یک کلیت در قالب شماری میدانهای فعالیت متفاوت سازمان یافته است و مقامهای یک میدان ممکن است به علت شباهت یا هم‌وزنی با مقامهای دیگر مرتبط شوند.

## ۲- میدان (Champ)

بوردیو فضای اجتماعی را برآیند مجموع حوزه‌هایی می‌داند که از آن به «میدان» (field) یاد می‌کند. او در کتاب «تأملات پاسکالی» (۱۹۹۷) می‌نویسد:

«جهان اجتماعی مدرن - که حاصل فرایند طولانی شکل‌گیری تمایزیابی‌هاست - به فضاهای بی‌شماری تجزیه می‌شود که همانا «میدانها» هستند. هر یک از این میدانها شرایط بازی، موضوعات و منافع خاص خود را دارند (میدان ادبی، علمی، سیاسی، دانشگاهی، قضایی، بنگاهی، دینی، ژورنالیستی). این خرده فضاهای اجتماعی نسبت به یکدیگر خودسالاری دارند، یعنی در تنظیم قواعد خود آزادند؛ دور از تأثیرات دگر سالارانه میدانهای دیگر اجتماعی به کار خود ادامه می‌دهند (مثلاً برخی ضوابط اقتصادی یا سیاسی در میدانهای دانشگاهی یا علمی)» (شویره و فونتین، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

بوردیو به مجموعه متنوعی از میدانهای متفاوت که در جامعه وجود دارد اشاره کرده است، ولی خودش به بررسی میدانهای مربوط به ذوق و سلیقه (بوردیو، ۱۹۸۶)، تولید دانشگاهی و روشنفکری (بوردیو، ۱۹۸۸)، خلاقیت هنری (بوردیو، ۱۹۸۴؛ ۱۳۹۰-۴۸؛ ۱۹۹۳-۱)، آموزش (بوردیو و پاسرون، ۱۹۷۰)، زبان

○ منابع فرهنگی در برگیرنده کالاهای نمادی گوناگون همچون زبان، ادب و نزاکت، ذوق و سلیقه، معرفت و مهارت است. این منابع فرهنگی را هنگامی می‌توان «سرمایه» شمرد که - همانند منابع اقتصادی - بتوان آنها را برای به دست آوردن «سود» فرهنگی به کار برد؛ سودی که می‌توان آنرا انباشت و به دیگر گونه‌های سرمایه تبدیل کرد.

میدان مربوط می‌شود» (جنکینز، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷). همه کنشهای انسانی در درون میدانهای اجتماعی رخ می‌دهد؛ میدانهایی که محل کشمکش بر سر منابع است. افراد، نهادها و کارگزاران می‌کوشند خود را از دیگران متمایز کنند و سرمایه‌ای به دست آورند که در آن زمینه یا میدان سودمند و ارزشمند شمرده شود.

پس هسته میدان و علت وجودی آن، منابع و سرمایه‌هایی است که کنشگران برای دستیابی به آنها (که البته خود میدان تعریف کننده نوع آنها است) با یکدیگر مبارزه می‌کنند؛ میدانی که «بر ستونهای قدرت مبتنی است و به شکل معناداری مورد تقاضای اشغال کنندگان مواضع اجتماعی است» (لچت، ۱۳۸۳، ص ۸۱)؛ میدانهایی که سلسله مراتب خاص خود دارد و کنشگران برای رسیدن به رده‌های بالاتر در این سلسله مراتب با یکدیگر در کشمکشند. «درحالی که بورديو تئوری تضاد و ستیزه‌اش را از مارکس به ارث برده بود، ولی با باور به اینکه کشمکشهای اجتماعی را نمی‌توان کشمکش و تضاد اقتصادی میان طبقات اجتماعی فرو کاست، راه خود را از مارکس جدا کرد» (www.kirjasto.Sci.fi). کشمکش و تضاد در هر میدان اجتماعی بیشتر مختص همان میدان است. پس میدان ساختی در درون فضای اجتماعی است که در آن بر سر گونه‌های ویژه‌ای از سرمایه رقابت در می‌گیرد؛ به سخن دیگر، يك میدان عرصه کشمکش اجتماعی است برای تخصیص گونه‌های ویژه‌ای از سرمایه.

### ۳- سرمایه (Capital):

چنان که گفته شد، از دید بورديو، میدانها «صحنه مبارزه‌ای» برای مالکیت و باز آفرینی و رسیدن به منابعی است که مختص آنهاست. این منابع - که بورديو آنها را «سرمایه» می‌نامد - «مقولات وضعی» قدرت اجتماعی هستند. این منابع و سرمایه‌هایی نظم و ترتیب و ناموزون در میان مقامهای گوناگون يك میدان پخش می‌شوند و شالوده مناسبات سلطه و فرمانبری و مبارزه با سلطه را در درون يك میدان تشکیل می‌دهند. کسانی که مقامهای اجتماعی را در دست دارند که مزیت دسترسی به منابع را در اختیارشان می‌گذارد، می‌توانند بر میدان سلطه یابند و

○ چنان که از بحثهای بورديو در زمینه سرمایه اجتماعی بر می‌آید، نگاه او به این مفهوم، یکسره ابزاری است زیرا توجه خود را بر دو جنبه متمرکز می‌کند: منافع که فرد از مشارکت در گروه به دست می‌آورد و برقراری پیوندهای اجتماعی عمده برای دسترسی هر چه بیشتر به این منابع و سود فردی.

(بورديو، ۱۹۹۱) و دولت دیوانسالار (بورديو، ۱۹۸۹) پرداخته است. جامعه - به منزله يك فضای اجتماعی - از کثیری میدانهای واجد اتصالات در هم پیچیده تشکیل شده است. میدانها، «صحنه مبارزه» برای مالکیت و باز آفرینی منابعی هستند که مختص آنهاست. (همان، ص ۱۳۷)

بنابراین بورديو مفهوم فضای اجتماعی را همپوندا میدان (زمینه) مطرح می‌کند و از وجود میدانهای گوناگون در فضای اجتماعی یاد می‌کند. او سپس به مفهوم سرمایه توجه نشان می‌دهد و آنرا در پیوند با وجود این میدانها مطرح می‌کند. او می‌نویسد:

«فضای اجتماعی را باید به مثابه ساختاری از مواضع تفکیک یافته‌ای بر گرفت که در هر مورد، بر اساس جایگاهی تعریف شده است که این مواضع در توزیع يك نوع خاص از سرمایه اشغال کرده‌اند... برای ساختن الگوی فضای اجتماعی لازم و کافی است که انواع مختلف سرمایه، که چگونگی توزیع آن تعیین کننده ساختار فضای اجتماعی است، مورد بررسی قرار گیرد.» (بورديو، ۱۳۸۱، صص ۴۸-۴۷).

از دید بورديو، نوع رابطه و موقعیت يك میدان بسته به دسترسی هر يك از افراد به کالاها یا منابعی (سرمایه‌ای) است که در این میدان، بر سر آن کشمکش است. از جنبه‌ای دیگر «میدان عرصه‌ای است که در آن استراتژی‌های عاملان و کارگزاران به حفاظت یا بهبود موقعیت‌های خویش به لحاظ سرمایه تعریف کننده این

منابع کدو کاهایی کرده است. برای نمونه، این موضوع را بررسی کرده است که سرمایه اقتصادی چگونه می تواند به سرمایه فرهنگی یا آموزشی تبدیل شود. (بوردیو، ۱۹۹۴) البته او به بررسی خود میدان اقتصادی علاقه ای نداشت و می گفت این وظیفه را به عهده دیگران می گذارد زیرا علاقه خود او معطوف به سرمایه های فرهنگی و اجتماعی است. (بوردیو، ۱۹۸۴) کار او در مورد سرمایه اقتصادی از این برداشت کارل مارکس آغاز می شود که «منابع اقتصادی هنگامی که به منظور انباشت بیشتر سود، انباشت و سرمایه گذاری می شوند، به سرمایه اقتصادی تبدیل می گردند.» لویز و اسکات، (۱۳۸۵، ص ۱۳۸)

از زاویه ای دیگر، اهمیت سرمایه اقتصادی برای بوردیو از آن رو بود که او نرخ تبدیل پذیری این گونه سرمایه را در سنجش با دیگر سرمایه ها بالا می دانست؛ نرخی که آنرا در بالا بردن سطح منزلت افراد در سلسله مراتب بسیار کار ساز است.

○ سرمایه نمادی به هر گونه دارایی گفته می شود (هر گونه سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...) که دسته ای از اعضای اجتماع آنرا در می یابند، به رسمیت می شناسند و برای آن ارزش قائل می شوند. به سخن دیگر، نقش کلیدی سرمایه نمادی، مشروعیت بخشیدن به گونه های دیگر سرمایه است. سرمایه نمادی تنها در برداشتهای ذهنی وجود دارد، گسترش می یابد و درک می شود. سرمایه فرهنگی و اقتصادی با پول یا از راه آزمون و مدرک و سرمایه اجتماعی بر پایه پیوند با افراد در شبکه های اجتماعی پدید می آید، در حالی که سرمایه نمادی تنها در چشم دیگران وجود دارد.

پادشاهی را که میدان عرضه می دارد به دست آورد. (لویز و اسکات، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶).

گفتنی است که بوردیو برای توصیف میدان (یعنی جایی که سرمایه در آنجا نمود می یابد) از تعبیر و اصطلاحات نظامی بهره می گیرد و آنرا پهنه «جایگاههای استراتژیک و دژ دفاعی و تسخیر شده در صحنه نبرد» می خواند. (بوردیو، ۱۹۸۴) این سرمایه است که به فرد اجازه می دهد بر سر نوشت خود و دیگران نظارت کند. (ریترز، ۱۳۸۴، صص ۷۲۵-۷۲۴)

نکته درخور توجه این است که از دید بوردیو (۱۹۸۵) سرمایه، همزمان، هم مربوط به علم اقتصاد است و هم مجموعه ای از روابط مبتنی بر قدرت که قلمروها و تعاملات اجتماعی گوناگونی پدید می آورد که چه بسا بی ارتباط با علم اقتصاد پنداشته شود. به نظر او، تولید و باز تولید سرمایه فرآیندی است که به گونه ذاتی با قدرت پیوند دارد. در واقع برداشت بوردیو (۱۹۸۵) از سرمایه به گونه ای است که او سرمایه و قدرت را کمابیش مترادف با هم می داند (دوفیلیس، ۱۳۸۵)

از دید بوردیو، سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سودی ویژه از راه مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۲۳) وی، سرمایه را به چند مقوله گسترده تقسیم می کند. اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی. که هر یک از اینها را نیز می توان در پرتو میدانهای خاص به مقولاتی چون سرمایه عملی، حرفه ای، ادبی، دانشگاهی، حقوقی-اقتصادی، فلسفی، سیاسی، اطلاعاتی، و سرمایه آموزش تقسیم کرد. (فاین، ۱۳۸۵، صص ۱۰۳-۱۰۲)

### ۳-۱- سرمایه اقتصادی (Economic Capital)

سرمایه اقتصادی، در درون میدان اقتصادی وجهه غالب دارد، میدانی که در آن توزیع و مبارزه بر سر منابعی چون درآمد، زمین، و داراییهای مالی، همچون ابزاری برای تأمین سود است. پس «سرمایه اقتصادی، سرمایه ای [است] شامل منابع، درآمد و دارایی ها که در حقوق مالی متبلور می شود.» (تقلانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) بوردیو در مورد رابطه میان منابع اقتصادی و دیگر

## ۲-۳- سرمایه فرهنگی (Cultural Capital)

مجموعه کار گزارانی است که او با آنها پیوند برقرار کرده است. (Bourdieu, 1986, pp.248-249) از زاویه‌ای دیگر، بوردیو معتقد به آن تئوری درباره سرمایه اجتماعی است که دو بخش یاد مؤلفه دارد: بعنوان يك منبع که با عضویت گروهی و شبکه‌های اجتماعی مرتبط است و حجم سرمایه اجتماعی يك کار گزار به حجم شبکه ارتباطی وی وابسته است، یعنی به میزان کیفی اینگونه منابع در شبکه. (www.worldbank.org) او بر آن است که سرمایه اجتماعی باید به سرمایه‌های فرهنگی یا اقتصادی تبدیل شود.

چنان که از بحث‌های بوردیو در زمینه سرمایه اجتماعی برمی آید، نگاه او به این مفهوم، یکسره ابزاری است زیرا توجه خود را بر دو جنبه متمرکز می کند: منافع که فرد از مشارکت در گروه به دست می آورد و برقراری پیوندهای اجتماعی عمده برای دسترسی هر چه بیشتر به این منابع و سود فردی. (Portes, 1998, pp.5-6) بوردیو تا آنجا پیش رفت که مدعی شد مزایای عضویت در گروه، شالوده همبستگی بی است که آن مزایا را امکان پذیر می سازد. (پورتس، ۱۳۸۴، ص ۳۰۹) از دید او، شبکه‌های اجتماعی، موهبتی طبیعی نیست و باید از راه سرمایه گذاری در راهبردهای معطوف به نهادینه سازی روابط گروهی یا به زبان ساده تر عضویت در يك گروه، بعنوان خاستگاه مزایای دیگر، ساخته شود.

عضویت در گروهها، و پیوستن به شبکه‌های اجتماعی و مناسبات اجتماعی در چارچوب این گروهها، جایگاه کنشگران در زمینه‌های گوناگون را بهتر

○ بر سر هم، بوردیو مفهوم سرمایه را از چارچوب کلاسیک اقتصادی آن فراتر برد؛ سرمایه‌هایی که بسته به میزان خطر (ریسک) و هدر رفتن، از گونه‌ای به گونه دیگر درمی آید. سرمایه اجتماعی نیز یکی از این سرمایه‌ها است؛ سرمایه‌ای که افراد یا گروهها آنرا به کار می گیرند تا به منافع اقتصادی دست یابند.

منابع فرهنگی دربرگیرنده کالاهای نمادی گوناگون همچون زبان، ادب و نزاکت، ذوق و سلیقه، معرفت و مهارت است. این منابع فرهنگی را هنگامی می توان «سرمایه» شمرد که همانند منابع اقتصادی - بتوان آنها را برای به دست آوردن «سود» فرهنگی به کار برد؛ سودی که می توان آنرا انباشت و به دیگر گونه‌های سرمایه تبدیل کرد. (همان) از دید بوردیو، سرمایه فرهنگی به ۳ شکل وجود دارد: نخست، از راه مستحیل شدن در عادت‌واره‌ها،<sup>۵</sup> که این کار تا اندازه زیادی از راه آموزش و پرورش رسمی و در دوران کودکی صورت می گیرد؛ دوم، سرمایه فرهنگی در مقولات فرهنگی عینیت می یابد؛ سوم، این سرمایه در نهادهای فرهنگی نیز نهادینه می شود به گونه‌ای که بر پایه آزمونها، گواهینامه‌ها و مدارک علمی مشخص می شود. (سیسیانین، همشهری، ۱۳۸۴/۳/۸). به نظر می رسد که آنچه از دید بسیاری کارشناسان (از جمله جیمز کلمن و رابرت پاتنام) در چارچوب سرمایه انسانی می گنجد، در نگاه بوردیو، بخشی از سرمایه فرهنگی است.

## ۳-۳- سرمایه اجتماعی (social capital)

«سرمایه اجتماعی» اصطلاحی است که بوردیو در مورد عضویت در گروههای اجتماعی به کار می برد. بوردیو در آثار خود، دو تعریف از سرمایه اجتماعی به دست داده است: «سرمایه اجتماعی مجموع منابع مجازی یا واقعی است که به فرد یا گروهی، با توجه به مزیت در اختیار داشتن شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل تعلق می گیرد». (Bourdieu, 1992, p. 119) «... تراکم منابع بالفعل یا بالقوه‌ای که با در اختیار گرفتن شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده مبتنی بر آشنایی یا شناخت دوسویه به هم پیوسته شده‌اند. . . . بر این اساس حجم سرمایه اجتماعی در اختیار يك کار گزار، به اندازه شبکه پیوندهایی که او می تواند به گونه مؤثر بسیج کند و به میزان و حجم سرمایه‌ای بستگی دارد که در دست يك کار گزار است، یا حتی سرمایه‌ای که در مالکیت

○ بورديو سرمايه و قدرت را كمابيش مترادف مي داند؛ پس كساني كه در جايگاه بهتري براي به دست آوردن سرمايه (قدرت) بيشتري، دست بالا را در ميدان دارند. وي سرمايه ها را به چهار مقوله اصلي اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و نمادي (سمبوليك) تقسيم مي كند؛ سرمايه هايي كه هر يك را مي توان در ميدانهاي ويژه، به مقوله هاي ديگر مانند سرمايه علمي و... تقسيم كرد.

نظامها به صورت نظامهاي مشروع تجربه شوند. مشروعيت موجب ابهام و عدم شفافيت روابط قدرت مي شود و بدین ترتیب تحمیل یاد شده با موفقیت انجام می گیرد.» (جنکینز، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۶۲)

بر سر هم، بورديو مفهوم سرمايه را از چارچوب كلاسيك اقتصادي آن فراتر برد؛ سرمايه هايي كه بسته به ميزان خطر (ريسك) و هدر رفتن، از گونه اي به گونه ديگر درمي آيد. سرمايه اجتماعي نيز يكي از اين سرمايه ها است؛ سرمايه اي كه افراد يا گروهها آنرا به كار مي گيرند تا به منافع اقتصادي دست يابند.

در پايان مي توان گفت كه تأكيد بورديو بر گونه هاي سرمايه، بر قابليت جايگزيني شكلهاي مختلف سرمايه و بر تقليل نهايي همه اشكال به سرمايه اقتصادي است كه زير عنوان كار انباشته انساني تعريف مي شوند. بنا بر اين به كمك سرمايه اجتماعي، كنشگران مي توانند به سادگي به منابع اقتصادي دست يابند (وامهاي يارانه اي، كمكهاي تشويقي در سرمايه گذاري، بازارهاي حمايت شده و...); گذشته از آن، مي توانند سرمايه فرهنگي خود را از راه تماس با كارشناسان و خبرگان در زمينه هاي فرهنگي (يعني با بهره گيري از سرمايه فرهنگي مندرج در حاملهاي اين گونه سرمايه) افزايش دهند، يا به نهادهاي بيبوندند كه كارشان ارائه اعتبارهاي با ارزش يعني سرمايه فرهنگي نهادي شده است.

از ديگر سو، به دست آوردن سرمايه اجتماعي در

مي كند. انجمنهاي داوطلبانه، اتحاديهاي بازرگاني، احزاب سياسي، انجمنهاي پوشيده (براي نمونه فراماسونري) اين گونه سرمايه اجتماعي را بازناب مي دهند. تفاوت در ميزان سرمايه اجتماعي، چرایی بهره گيرهاي متفاوت از سرمايه هاي فرهنگي و اقتصادي يكسان و همچنين قدرت اثرگذاري متفاوت بر كنشگران گوناگون را تعيين مي كند. (سيسيانين، همشهری، ۱۳۸۴/۳/۸)

از دید بورديو، سرمايه اجتماعي، سبب كشمكشهاي اجتماعي در حوزه ها و زمينه هاي گوناگون مي شود، زيرا در اينجا هم كنشگران با درپيش گرفتن اين يا آن راهبرد در ميداني ويژه، براي بالا رفتن در سلسله مراتب آن ميدان تلاش مي كنند.

### ۳-۴- سرمايه نمادي (symbolic capital)

چهارمين گونه سرمايه، سرمايه نمادي (سمبوليك) است. سرمايه نمادي به هر گونه دارايي گفته مي شود (هر گونه سرمايه اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي و...) كه دسته اي از اعضاي اجتماع آنرا درمي يابند، به رسميت مي شناسند و براي آن ارزش قائل مي شوند. (www.fakohi.Com) به سخن ديگر، نقش كليدي سرمايه نمادي، مشروعيت بخشيدن به گونه هاي ديگر سرمايه است. سرمايه نمادي تنها در برداشتهاي ذهني وجود دارد، گسترش مي يابد و درك مي شود. سرمايه فرهنگي و اقتصادي با پول يا از راه آزمون و مدرك و سرمايه اجتماعي برپايه پيوند با افراد در شبكه هاي اجتماعي پديد مي آيد، درحالي كه سرمايه نمادي تنها در چشم ديگران وجود دارد.

از دید بورديو، سرمايه نمادي اگر با مکانيسمهاي پنهان و به گونه مقولاتي يکسره طبيعي جلوه کننده به كار گرفته شود، به خشونت نمادي مي انجامد (بويژه در بوروکراسي دولتي و در رسانه ها مانند تلويزيون). بورديو در نيمه نخست كتاب «بازتوليد در آموزش و پرورش، جامعه و فرهنگ» (۱۹۷۰) به اين نکته پرداخته است. به گفته بورديو، «خشونت نمادين به معنای تحمیل نظامهای نمادها و معناها (يعني فرهنگ) به گروهها و طبقات اجتماعي است به نحوی كه اين

در حالی که ممکن است این سرمایه در میدانهای M و N ارزشمند شمرده نشود یا دست کم ارزشمندترین سرمایه نباشد.

به نظر می آید که بورديو سرمایه و قدرت را کمابیش مترادف می داند؛ پس کسانی که در جایگاه بهتری برای به دست آوردن سرمایه (قدرت) بیشترند، دست بالا را در میدان دارند. وی سرمایه ها را به چهار مقوله اصلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی (سمبولیک) تقسیم می کند؛ سرمایه هایی که هر يك را می توان در میدانهای ویژه، به مقوله های دیگر مانند سرمایه علمی و... تقسیم کرد.

از دید بورديو، سرمایه اجتماعی مجموع منابعی است که به يك فرد یا گروه تعلق می گیرد، مشروط به اینکه آن فرد یا گروه با شبکه آشنایی مبتنی بر شناخت متقابل پیوند نزدیک داشته باشد. در نتیجه، حجم سرمایه اجتماعی يك کارگزار (چه فرد و چه گروه) به اندازه شبکه پیوندهایی است که برقرار کرده است و چون برای بورديو، اصل سرمایه اقتصادی است، او در پرداختن به سرمایه اجتماعی، قابلیت تبدیل شدن آن به سرمایه اقتصادی را در نظر دارد. او از همین زاویه، نگاهی یکسره ابزاری به سرمایه اجتماعی دارد؛ یعنی از يك سو، فوایدی که فرد از مشارکت در گروه به دست می آورد و از سوی دیگر، برقراری ارتباطات اجتماعی عمده برای فراهم ساختن زمینه دسترسی هر چه بیشتر به این منابع و سود فردی را در نظر می گیرد. به باور بورديو، با اینکه دستاوردها از سرمایه اجتماعی را می توان به سرمایه اقتصادی تبدیل کرد، ولی فرایند ایجاد این سرمایه، فرایندی ویژه و جدا از فرایند تولید سرمایه اقتصادی است.

بر سر هم، بورديو از مفهوم فضای اجتماعی به مفهوم میدان می رسد و از مفهوم میدان به سرمایه اجتماعی؛ سرمایه ای که در قالبی ابزاری، در تحلیل نهایی باید به سرمایه اقتصادی تبدیل شود.

### یادداشتها

۱. habitus. برای این مفهوم، معادلهایی مانند عادت واره، ریختار، ملکه ذهن، خصلت و مانند اینها به کار رفته است اما با اینکه، به نظر نگارنده، معنای دقیق این مفهوم را نمی رساند به ناچار از واژه «عادت واره» استفاده می کنم.
۲. ilusion یا self deception یا خودفریبی. به نظر بورديو

گروه سرمایه گذاری سنجیده چه در منابع اقتصادی و چه در منابع فرهنگی است. هر چند بورديو بر این نکته پامی فشارد که دستاوردها از سرمایه اجتماعی یا فرهنگی را می توان به سرمایه اقتصادی تبدیل کرد، ولی فرایند ایجاد سرمایه اجتماعی یا فرهنگی، قابلیت تقلیل به فرایند تولید سرمایه اقتصادی را ندارد. هر يك از این دو نوع سرمایه، پویایی ویژه خود را دارد و نسبت به مبادله اقتصادی، ویژگی آنها شفافیت کمتر و نااطمینانی و ریسک بیشتر است. (پورتس، ۱۳۸۴ ص ۳۱۰) کارگزاران، سرانجام از سرمایه اجتماعی موجود در روابط کم و بیش نهادینه شده میان خود و دیگران در شبکه های اجتماعی بهره می گیرند تا به کمک استراتژیهای مشخص در هر میدان و در فضای کلی اجتماعی، موجبات بهبود جایگاه خود را فراهم آورند: «ابزاری» به نام سرمایه اجتماعی و «کار کردی» برای بالا رفتن در سلسله مراتب اجتماعی ویژه و «قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی».

### ۴- بهره سخن

اهمیت مفهوم فضای اجتماعی در کارهای بورديو تا آن اندازه است که از آن بعنوان سکوی پرش برای ورود به بحث سرمایه ها یاد کردیم. فضای اجتماعی، فضای ویژه از اجتماع عینی پیرامون ماست که در آن منابع، توزیع و اعمال متبلور شده است و دارای گونه هایی از مقامهای اجتماعی است. پس فضای اجتماعی دارای ساختی سلسله مراتبی بر پایه تفاوتهاست. این فضای اجتماعی در چارچوب شماری میدان متفاوت، سازمان یافته است. پس حاصل جمع میدانها عبارت است از فضای اجتماعی. از دید بورديو، جامعه خود يك فضای اجتماعی است.

بورديو مفهوم سرمایه را در ارتباط با این میدانهای موجود در فضای اجتماعی مطرح می کند. به نظر او، نوع رابطه و موقعیت يك میدان به دسترسی هر يك از افراد به سرمایه هایی بستگی دارد که در این میدان، مورد کشمکش است. پس، هر میدان سرمایه هایی دارد که افراد حاضر در این میدان بر سر آن رقابت می کنند. اینکه چه سرمایه ای در چه میدانی ارزشمند شمرده می شود، بستگی به منطق یا زمینه آن میدان دارد. برای نمونه، در میدان X سرمایه Y ارزشمند شمرده می شود،

۶. دوفیلیس، جیمز، «اسطوره سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماع»، ترجمه امیر نصرت روحانی، فصلنامه اقتصاد سیاسی، تهران، ۱۳۸۵.

Available on line at: <http://www.aftab.com>

۷. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۴).

۸. سپهند، محمد حسین، درباره زندگی و آثار بوردیو، پایگاه اطلاع‌رسانی ناصر فکوهی.

<http://www.fakohi.com>

۹. سیسیانین، مارتین، «دو تعلق از سرمایه اجتماعی»، ترجمه محمدرضا غلامی، همشهری، ۸/۳/۸۴.

۱۰. شویره، کریستین و اولیویه فوتن، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).

۱۱. فاین، بن، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه محمد کمال سروریان، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵).

۱۲. لیجت، جان، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ترجمه محسن کریمی، (تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۳).

۱۳. لویز، خوزه و جان اسکات، ساخت اجتماعی، ترجمه حسین قاضیان، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).

## انگلیسی

14. Bourdieu, Pierre. **An Invitation to Reflexive Sociology**, (University of Chicago Press and Polity Press, 1992).

15. Bourdieu, Pierre. **Science of Science and Reflexivity**. Translated by Richard Nice, (Polity Press, 2004).

16. Bourdieu, Pierre, "The forms of capital", in Handbook of Theory and the Search for the Sociology of Education J.G. Richardson. (New York: Greenwood Press, 1986 a).

17. "Pierre Bourdieu"; Available on line at: <http://en.wikipedia.org/wiki/pierre-Bourdieu>.

18. "Pierre Bourdieu (1930- 2002) " Available on line at: <http://www.kirjasto.Sci.fi/bourd.htm>.

19. Portes, A. **Social Capital: Its origins and applications in modern sociology**. Annual Review of Sociology, November 24, 1998.

20. Social capital Literature Review, Available on line at: <http://www.worldbank.org/proverty/scapital/library/db>.

21. Stuart Geffies. Monday January 28, 2002. "obituary: Pierre Bourdieu". Guardian; Available on line at: <http://www.Guardian.Co.uk/obituaries/story.Html>.

علیرغم اهمیت آگاهی، زندگی بر اساس نوع ایلوسیون به پیش می‌رود. پذیرش این مفهوم حاکی از نوعی گرایش به ساختارگرایی نزد بوردیو است. این ایلوسیون، نزدیکی خاصی به مفهوم ایدئولوژی آلتوسر دارد.

۳. Reflexivity یا بازتابندگی. یعنی توجه آگاهانه و مداوم به انواع شیوه‌های به هم پیوستن مؤلفه‌های نظری و سیاسی، اجتماعی و زبانی در فرایند تحول دانش؛ که در جریان آن عناصر تجربی ساخته و تفسیر می‌شود.

۴. پیر بوردیو در این زمینه یکسره از فردینان دوسوسور و زبان‌شناسی ساختاری او اثر پذیرفته است. برای مطالعه بیشتر دوگانه‌سازهای سوسور، ر.ک:

کالر، جانانان، فردینان دوسوسور، ترجمه کورش صفوی، (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۹). همچنین درباره اثرپذیری بوردیو از سوسور، ر.ک:

لش، اسکات، جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳)، ص ۳۶.

۵. بحث habitus به معنای گونه‌ای آمادگی عملی که موجب می‌شود افراد خود را درون یک حوزه اجتماعی با کارکرد مناسب آن حوزه تطبیق دهند بی آنکه برای تطبیق به محاسبه آگاهانه و طرحی هدفمند نیازی باشد، یکی از پایه‌های اندیشه بوردیو است. habitus خلق و خوهای تبلور یافته است. برای آگاهی بیشتر به سایت اینترنتی زیر که بیشتر به زبان انگلیسی است رجوع کنید:

<http://www.massey.ac.nz/~nzsrda/bourdieu/by-authuk.htm>.

## کتابنامه:

۱. اکبری، امین، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت - تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

۲. بوردیو، پیر، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، (تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۱).

۳. پورتس، آلهاندرو، «سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه‌شناسی مدرن»، در: تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، (تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۴)، صص ۳۰۳-۳۴۷.

۴. ثقلانی، محمد، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سیاستهای رفاهی (بررسی موردی ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۵. جنکینز، ریچارد، پیر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۵).